

تحقیق تاریخ وفات مؤلف کشف المحجوب علی عزنوی

شیخ علی بن عثمان جلابی هجویری غزنوی از رجال بزرگ تصوف و ادب افغانستان است که در سرزمین پنجاب نیز دارای شهرت کاملی بوده، و تالیف مشهورش کشف المحجوب از کتب قدیم و برگزیده صوفیان است که از نظر ادب دری نیز اهمیتی دارد. و او را در لاهور داتا گنج بخش گویند. درین مقاله بشرح حال و آثار و افکار هجویری نمی پردازم و فقط میخوایم درباره تاریخ وفات این شیخ بزرگوار تحقیقی کنم:

در کتب تاریخ و تذکرها که تاریخ وفات هجویری را آورده اند، قول معروف و مرجع نزد اکثر نویسندگان سال (۶۵ هـ) است که همین تاریخ را بر لوح تربتش در لاهور نوشته اند. اما این لوح مزار قدامتی ندارد و از وضع سنگ و خط و دیگر آثار آن حد اثنش پدیدار است و طوریکه مفتی غلام سرور لاهوری مینویسد در سنه ۱۲۷۸ هـ حاجی نورمحمد فقیر بر آن تربت گنبدی را برافراشت و مسجد قدیم را تعمیر نمود^(۱) و شاید کتیبه حاضره نیز در همین اوفات ترتیب و نصب تربت شده باشد. بنا بران در خور اعتماد نبوده و صحت آن تاریخ مورد تامل است.

تاجائیکه دیده ام تاریخ وفات شیخ در کتب قدیمه که مدار اعتبار تواند بود مضبوط نیست، داراشکوه که با این طایفه عقیدتی داشته و بقول خودش در غزنی هم بمزار ابوبین و خال شیخ رسیده بود، وفات او را (۴۵۶ هـ) یا بقولی (۶۴ هـ) نوشته^(۲) که حاجی خلیفه در کشف الظنون و سامی بیگ در قاموس الاعلام نیز همین (۴۵۶ هـ) را آورده اند.

مفتی لاهوری مینویسد: که در نفخات الانس و اخبار الاصفیا نیز سال (۴۵۶ هـ) معتبر شمرده شده^(۳) و خود وی نیز عادتاً همین تاریخ را نظم بسته است، در حالیکه در نسخ مطبوعه و خطی نفخات چنین چیزی موجود نیست، و جامی تاریخ وفات هجویری را در شرح حالش نیاورده است.

نویسندگان مابعد مانند هدایت حسین نویسنده آریتمکل داتا گنج بخش لاهوری در دایره المعارف اسلامی (۲ - ۹۲۷) و ریو در فهرست مخطوطات فارسی (۱ - ۳۴۳) و رحمان علی در تذکره علمای هند (ص ۹۵) و مرحوم ملك الشعراء بعار در سبک شناسی (۲ - ۱۷۸) و عبدالماجد در تصوف اسلام (ص ۵۳) و اسماعیل پاشا بغدادی در اسماء المصنفین (۱ - ۶۹۱) و سید صباح الدین در بزم صوفیه (ص ۸) و شیخ محمد اکرام در آب کوثر (ص ۸۶) و دیگران همین قول (۴۵۶ هـ) را نوشته اند. تنها دکتر غنی در تصوف اسلام (ص ۵) تاریخ وفات هجویری را در حدود (۴۷۰ هـ) نوشته که اینهم مکشوک بنظر می آید.

برای تحقیق این مسئله مغلق تاریخ باید کتب قدیمترین و متن خود کشف المحجوب هجویری را مورد کنجکاوی قرار دهیم. تا چه نتیجه بدست می آید؟ و باصول انتقادی زمان زندگانی هجویری تا کجا میرسد؟ و تاریخ وفاتش در حدود کدام سنه تخمین میشود؟

اینک من در سطور ذیل مطالعات خود را يك يك می نویسم و سنوات ایام مختلف حیات هجویری را در آن تعیین میکنم:

بعد از ۴۴۰ هـ :

از برخی اشارات هجویری در کشف المحجوب توان دریافت که این کتاب را در کدام عصر نوشته است؟ مثلاً در فصل فضل فقر و غنا گوید: "یحیی معاذالرازی ... و ... و از متاخرین شیخ المشایخ ابوسعید فضل الله بن محمد المیهنی رحمهم الله جمله برانند که غنا فاضلتر است از فقر." (ص ۲۶ کشف المحجوب طبع سمرقند).

چون شیخ ابوسعید ابوالخیر بقول مبرخان ثقه در ۴ شعبان ۴۴۰ هـ وفات یافته^(۴) پس نتیجه میگیریم که زمان نوشتن کشف المحجوب بعد از (۴۴۰ هـ) و وفات ابو سعید ابوالخیر بوده، زیرا هجویری با وضع تمام شیخ ابوالخیر را هنگام نوشتن کشف المحجوب مرحوم شمرده و دعائی کرده است که همواره به میت کند. چون هجویری کتاب خود کشف المحجوب را در لاهور نوشته بنابراین اینرا هم میگوئیم که وی بعد از (۴۴۰ هـ) در لاهور سکونت کرده است.

یاد ابوالقاسم گرگانی و ۴۵۰ هـ :

دیگر از کسانی که هجویری در کشف المحجوب ذکری از او دارد و حین نوشتن آن حصه کشف المحجوب زنده بود، ابوالقاسم بن علی بن عبدالله گرگانی است که در (ص ۲۵۴) دعای "متعالله والمسلمین ببقائه" را بانام او آورده و همچنان در (ص ۲۵۴) گوید: "و شیخ ابوالقاسم گرگانی که امروز قطب و مدار علیه ویست ابقاء الله تعالی".

ازین دو اشاره صاف بنظر می آید که در وقت نوشتن این حصه کشف المحجوب گرگانی زنده بود، و همین شیخ است که هجویری او را در طوس دیده و از معاصران ابوالخیر بود و به تاریخ (۴۵۰ هـ) از جهان رفت^(۵).

نتیجه بیکه ازین دو ذکر و ادعیه طول حیات گرگانی میگیریم، اینست که هجویری پیش از سال (۴۵۰ هـ) در لاهور سکونت داشته و به نوشتن کشف المحجوب مشغول بود. ذکر ختلی و در سنه ۴۶۰ هـ در حدود دمشق :

ابوالفضل محمد بن حسن ختلی از مشایخ بزرگ و مرشد و استاد هجویریست که در کشف المحجوب در شرح احوال متاخرین صوفیه ذکر وی دارد و گوید: "و آنروز که ویرا وفات آمد به بیت الجن بود و آن دیهی است بر سرعقبه ... دمشق، سرکنار من داشت ... وصیت در از بکرد و جان بداد" (ص ۲۰۹ طبع سمرقند). این سند قویست که بودن هجویری را بر بستر مرگ مرشد خود ختلی ثابت میدارد. این عارف ختلی را از ذکر کشف المحجوب می شناسیم و مولانا جامی نیز در نفحات همان شرح کشف المحجوب را برداشته^(۶) و اضافه از آن چیزی ننوشته است. راجع به تاریخ وفاتش نیز درین کتب ذکر نیست تنها نویسنده خزینه الاصفیا میگوید که من بر حاشیه نسخه یی از نفحات نوشته دیدم که وی به سال (۴۵۳ هـ) از جهان رفته باشد^(۷) در حالیکه ذهبی تاریخ ختلی را (۴۶۰ هـ) می نویسد.

پس باید هجویری بعد از سکونت لاهور باز سفری کرده و در همین سال ۴۶۰ هـ در بیت الجن که جامی آنرا نزدیک دمشق گفته واقعه وفات عارف ختلی را دیده باشد.

بر روایت واحد و غریب مرفل خزینه الاصفیا اعتماد تمام نتوان کرد، ولی از مقارنه و مقابله با سنوات دیگر قول ذهبی از نقل لاهوری صحیح تر به نظر می آید.

ذکر استاد قشیری و زندگی بعد از ۴۶۵ هـ :

هجویری به صحبت استاد امام ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن بن عبدالملک بن طلحه قشیری نشاپوری شافعی (۳۷۶ - ۴۶۵ هـ) رسیده و بلکه کتابش مبنی بر مضامین و موضوعات رساله القشیرییه بوده و هم در کشف

المحجوب بارها سماع خود را از آن استاد ذکر کرده است مثلاً: "از استاد ابوالقاسم قشیری رحمه الله علیه شنیدم." (ص ۳۰ و ۳۶۸ و ۲۵۹ طبع سمرقند)

چون استاد قشیری باصح اقوال و اجماع مؤرخان در سنه ۶۶۵ هـ وفات یافته^(۸) پس حکم توان کرد که هجویری کشف المحجوب خود را بعد از (۶۶۵ هـ) نیز می نوشته است. زیرا درین کتاب بارها دعائی که برای مردگان مخصوص است "رحمه الله علیه" و امثال آن با نام قشیری آمده و با وضاحت تمام ذکر او را در جمله مشایخ گشته و مرحوم شده آورده و گوید:

"استاد امام زین الاسلام ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن الشیری رضی الله عنه اندر زمانه خود بدیع بود و قدرش رفیع و منزلتش بزرگ" (ص ۲۰۹ طبع سمرقند) ازین تصریح واضح و روشن پیدا است که کشف المحجوب را بعد از (۶۶۵ هـ) که سال وفات قشیری باشد تمام کرده و بعد ازین سال که بقول اکثر مؤرخان تاریخ وفات هجویریست وی در لاهور زنده بوده است.

استاد امام قشیری به تصریح جامی در ماه ربیع الاخر (۶۶۵ هـ) درگذشت و طوریکه ابن جوزی گوید در نشاپور پهلوی تربت استادش ابوعلی دقاق دفن شد^(۹) چون محل وفاتش نشاپور بود، البته خبر وفاتش تا لاهور مدتی بعد از همین سال رسیده باشد. و ازینرو است که هجویری در همان (ص ۲۰۹) بصیغه ماضی بعید میگوید: "و خداوند تعالی حال و زبان ویرا از حشو محفوظ گردانیده بود" و ازین هم پدید می آید که کشف المحجوب مدتی بعد از ۶۶۵ هـ ختم شده است. ذکر ابوالحسین سالبه و ۴۷۳ هـ:

ابوالحسین سالبه بن ابراهیم او شیوخ بزرگ شیراز، و دارای خانقاهی بود که بزرگان صوفیان به آنجا می آمدند^(۱۰) و شیخ ابواسحق شهریارگازرونی نیز به ملاقات او رسیده، بود^(۱۱) هجویری ذکر این شیخ را چنین می آورد: "شیخ الشیوخ ابو الحسن سالبه افصح اللسان بود و شیخ ابو الفتح سالبه مریدر را خلفی نیکو و امیدوار است^(۱۲)" و ازین ذکر پدر و پسر واضحاً ثابت است که حین نوشتن این حصه کشف المحجوب پدر درگذشته و پسرش زنده بود.

قراریکه ابن جوزی در المنتظم (۸ - ۳۲۸) و مولانا جامی در نفحات (ص ۲۵۹) تصریح کرده اند، وفات ابوالحسین سالبه سال (۴۷۳ هـ) است و ازین هم ثابت می آید که کشف المحجوب بعد از (۴۷۳ هـ) ختم شده، و بعد از همین سال شیخ هجویری زنده بود، و شیخ سالبه را به صیغه ماضی بعید ذکر کرد. ذکر ابوعلی فارمدی و ۴۷۷ هـ:

بعد از سنه سابق الذکر این سند داخلی کشف المحجوب نیز قابل ملاحظه است که شیخ هجویری یکی از بزرگان صوفیه معاصر خود، ابوعلی فضل بن محمد فارمدی را صریحاً بدعای "بقاه الله" ذکر می نماید (ص ۲۱۱) چون فارمدی در سنه ۴۷۷ هـ از جهان رفته و بقول عبدالغافر بن اسماعیل سبط ابوالقاسم قشیری (متولد ۴۵۱ - متوفی نشاپور ۵۲۹ هـ) و مولانا جامی، هفتاد سال عمر داشته^(۱۳) بنابراین نتیجه میگیرم که شیخ هجویری بعد از (۴۷۷ هـ) نیز زنده بود، و کتاب کشف المحجوب را بعد ازین سال تکمیل کرده است. ذکر خواجه عبدالله انصاری و ۴۸۱ هـ:

یکی از دلایل بسیار قوی که حیات هجویری را بعد از ۴۸۱ هـ ثابت میسازد اینست که در کشف المحجوب ذکری از شیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری صوفی و عارف مشهور هرات دارد. که به اتفاق تمام مپرخان در سنه ۴۸۱ هـ در هرات وفات یافته است.

در کتب خانه استاد مرحوم محمدشفیع لاهوری نسخه از کشف المحجوب که تاریخ نوشتن آن (۶۶۵ هـ)

است و تاکنون نسخه کهن تر از آن سراغ نداریم درین نسخه بر ورق ۱۷ چنین آمده :

"پیرگفت یعنی خواجه عبدالله انصاری ح..."

و همین عبارت در نسخه مطبوعه لاهور ص ۱۹۳ و در نسخه طبع سمرقند (ص ۳۱) نیز عبدالله انصاری هروی ح است. در طبع لیننگراد (ص ۲۸) در متن پیرگفت (رض) که نسخه بدل آنست خواجه عبدالله انصاری. چون کلمات رحمت الله علیه و رضی الله عنه مخصوص مردگان است پس درین وقت که اوایل کتاب کشف المحجوب است شیخ الاسلام پیر هرات در گذشته بود و حتماً زمانی است که بعد از سال (۴۸۱ هـ) باشد نه قبل از آن، و در همین وقت هجویری در لاهور زنده بود، و اوایل مباحث کشف المحجوب را می نوشت. از مقارنه و مقابله کشف المحجوب و طبقات الصوفیه امالی خواجه عبدالله انصاری این نیز ثابت می آید که کتاب طبقات الصوفیه هروی بدست هجویری نرسیده بود، و قول مذکور انصاری را از کتب دیگر او گرفته و یا سماع کرده است.

چون طبقات الصوفیه را نیز یکی از مریدان انصاری بعد از وفاتش نوشته، و تاریخ تالیف آن بعد از (۴۸۱ هـ) تا حدود (۵۰۰ هـ) است بنابراین طبقات و کشف المحجوب در یک عصر زیر تحریر تالیف بودند، و طبقات هروی بدست هجویری نرسیده بود تا از آن استفاده و اقتباسی میکرد. پس روی این ملاحظات میگوئیم که باید زمان ختم تالیف کشف المحجوب نیز بعد از (۴۸۱ هـ) تا حدود (۵۰۰ هـ) بوده و عارف هجویری نیز درین سالها در لاهور زنده باشد. شیخ قسوره گردیزی و حدود ۵۰۰ هـ :

شخص دیگری که در کشف المحجوب از زندگی او صحبت میشود شیخ قسوره بن محمد گردیزی است که در باب رجال متاخرین صوفیه (ص ۲۱۸ طبع لیننگراد) گوید : "و شیخ او حد قسوره بن محمد الجردیزی باهل طریقت شفقتی تمام دارد، و هر یک را به نزدیک وی حرمتی هست و مشایخ را دیده است."

این شیخ قسوره بقول افراد خاندانش که در ملتان سکونت دارند، شاه علی قسور نامداشت و جد شاه یوسف گردیزی است که ذکر همین یوسف در اخبار الاخیار (ص ۶۰ طبع دهلی ۱۳۰۹) آمده و تربت شیخ قسوره تاکنون در گردیز ولایت پختیاء جنوبی کابل معلوم و مشهور است^(۱۴). این شیخ قسور یا قسوره که معاصر هجویری و شیخ اوحد و مشفق عصر خود بود، لابد در حدود (۴۵۰ هـ) در غزنه و گردیز زندگی داشت و شیخ الاسلام بود، چنانچه فخر مدبر مبارکشاه در کتاب آداب الحرب والشجاعه خود، حدود (۶۱۰ هـ) نیز باختلاف دو نسخه موزه برطانوی بنام شیخ الاسلام قسور یا قثور از تربت او در گردیز و کراماتش حکایتی دارد^(۱۵). این حکایت مربوط به عصریست که ملک علاء الدین غوری (جهانسوز) شهر غزنه را نهب نموده و سلطان بهرام شاه غزنوی با اعیان و ارکان دولت غزنویه به هندوستان فراری شده بودند، و درین اوقات شیخ قسوره مرده و تربتش مورد عقیدت و زیارت مردم بود. چون سالهای سلطنت بهرام شاه از (۵۱۱ تا ۵۴۷ هـ) بوده و نهب و سوختن غزنه بدست ملک علاء الدین جهانسوز (حدود ۵۴۵ هـ) است^(۱۶). نتیجه میگیریم که شیخ الاسلام قسوره گردیزی در آغاز قرن ششم هجری از جهان رفته بود، پس زمان ختم کشف المحجوب را هم بعد از (۵۰۰ هـ) قرار داده نمیتوانیم و باید در اواخر قرن پنجم هجری باشد.

داستان حسین زنجانی و تناقص قول مفتی لاهوری :

حضرت علی هجویری در بین صوفیان قدیم هند شهرتی داشت و بعد از مرگ نیز تربت و کتابش کشف المحجوب مورد عقیدت بزرگان این طایفه بود از نسخه خطی در نظامی شیخ علی محمود حاندار ظاهر است که

حضرت نظام الدین اولیاء دهلوی (متوفی ۷۲۵ هـ) می فرمودند: "کشف المحجوب از تصنیف شیخ علی هجویری است قدس الله روحه العزیز، اگر کسی را پیری نباشد، چون این کتاب را مطالعه کند او را پیدا شود و من این کتاب را بتمام مطالعه کرده ام (۱۷)".

حضرت نظام الدین اولیاء که دو قرن بعد از وفات هجویری می زیست درباره آمدن حضرت هجویری به لاهور روایتی را در ملفوظات خود گفته است که آن را امیر حسن علاسجری یکی از مریدان دانشمندوی چنین نقل نموده:

"شیخ حسین زنجانی و شیخ علی هجویری مریدان یک پیر ابوالفضل محمد بن حسن ختلی (متوفی ۶۱۰ هـ) بودند حسین زنجانی مدتها در لاهور (لاهور) سکونت داشت وقتی مرشد مذکور به شیخ علی فرمود: به لاهور رو و در آنجا اقامت نما، علی هجویری گفت: "در لاهور شیخ زنجانی قبلاً مامور و موجود است. به لاهور مرشد باز او را برفتن لاهور امر داد. چون علی به تعمیم این هدایت پیر به لاهور آمد شب بود و صبح همانشب جنازه شیخ حسین را ازان شهر بیرون بردند (۱۸)".

این روایت که هفت قرن قدامت دارد و بسند صحیح و ثقه از شیخ نظام الدین اولیاء در فواید الفواد سجزی نقل شده شاید صحت داشته، و معاصرت زنجانی و هجویری و جانشینی مرخر الذکر را ثابت نماید. ولی جای تعجب است که مفتی غلام سرور همین قول را به حواله فواید الفواد در خزینة الاصفیا (۲) - (۲۳۲) نقل مینماید اما در همین کتاب (ص ۲۵۰) جلد دوم در شرح حال حسین زنجانی (بغلط حسن طبع شده) گوید: که وفاتش به اقوال صحیحه در سال ششصد هجریست (۶۰۰ هـ) لاهوری کلمات (عارف حسین زنجانی) را که به حساب ابجد (۶۰۰ هـ) میشود، نیز عادتاً برای تاریخ وفات زنجانی در نظم استخراج کرده است. این تناقص قولین که در کتاب خزینة الاصفیا بنظر می آید ناشی از اشتباهی است که مفتی لاهوری را در تاریخ وفات زنجانی دست داد و قول فواید الفواد را که چند صفحه قبل نقل نموده فراموش کرده است. بهر صورت ما نمی توانیم باین سهو مفتی لاهوری قول شیخ نظام الدین اولیاء را که فی الجمله قدیم تر است تا وقتی که سند دیگر قدیمتر در رد آن نباشد تردید کنم. ولی در نقل تواریخ وفات که مفتی لاهوری آورده و سندی نداده باید از احتیاط کار بگریزم، که از آنجمله تاریخ وفات هجویری در (۶۱۵ هـ) نیز هست. و با دلایل سابقه صحتی ندارد.

نتیجه:

در پایان مبحث خلص نتیجه را چنین مینویسم: که علی هجویری غزنوی باید بین سنوات ۴۸۱ و ۵۰۰ هـ از جهان رفته باشد علیه الرحمه.

توضیح:

با نام حضرت علی بن عثمان، نسبت های جلابی و هجویری نوشته شده، و اکثر نویسندگان به حواله متاخر جلاب و هجویری را دو محله شهر غزنه دانسته اند، ولی این قول از نظر تحقیق اساسی نخواهد داشت، زیرا نسبت جلابی به فتحه اول و تشدید لام به کلمه جلاب است که پیشه یی بود و ارباب انساب این مطلب را شرح کرده اند.

دوم نسبت هجویر به وجویر = وجیر = اجرستان است، که بطرف غربی جنوبی غزنه بین غزنه و روزگان در قلب زابل افتاده و این مطالب با دلایلی که در دست داریم، محتاج نوشتن مقالت تحقیقی دیگرست (۱۹).

ماخذ

۱. خزینه الاصفیا ۲ - ۲۳۳
۲. سفینه الاولیاء
۳. خزینه ۲ - ۲۳۴
۴. اسرار التوحید ۳۵۶
۵. تاریخ تصوف اسلام ص ۴۷۸ و خزینه ۲ - ۸.
۶. نفحات ص ۲۹۰.
۷. خزینه ۲ - ۲۳۱
۸. وفيات الاعیان ابن خلکان ۲ - ۳۷۵ به بعد
۹. نفحات ۲۸۸.
۱۰. المنتظم ۸ - ۲۸۰.
۱۱. طبقات الصوفیه هروی ۴۴۵
۱۲. فردوس المرشدیه ۱۱۰
۱۳. کشف المحجوب ۱۳۵ - ۲۱۴.
۱۴. مرآة الجنان یافعی ۳ - ۱۲۲ و نفحات جامی ۳۳۲ و خزینه ۲ - ۹.
۱۵. ضمیمه اورنتیل کالج میگزین لاهور فروری ۱۹۵۳ م.
۱۶. اقتباسات آداب الحرب و الشجاعة ص ۴۸ ببعد طبع لاهور ۱۹۳۸ م.
۱۷. افغانستان بعد از اسلام و تاریخ عرب از سید علی میر علی (ص ۳۳۰) عربی طبع مصر ۱۹۳۸ م. در دایره المعارف اسلامی لیدن (۲ - ۱۵۳) سال تخریب غزنه بدست جهانسوز (۵۴۴ هـ ۱۱۴۹ م) است.
۱۸. از نسخه خطی در نظامی مملوکه سید علیم الدین خادم درگاه سلطان المشایخ دهلی به حواله تصوف اسلام (ص ۵۲).
۱۹. مجله آریانا، سال ۱۳۴۶ ش، شماره ۲، ص ۱۶ - ۲۴.